

قراردادهای بالادستی نفتی از منظر حقوق بین الملل

تالیف:

کریم دعاگوئی هریس

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: دعاگوئی هریس، کریم، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: قراردادهای بالادستی نفتی از منظر حقوق بین الملل / تألیف کریم دعاگوئی هریس.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۱۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قراردادهای نفت و گاز
موضوع	: Oil and gas leases
موضوع	: نفت — ایران — قراردادهای تاریخ
موضوع	: Oil and gas leases -- Iran -- History
موضوع	: تعهدات بین المللی
موضوع	: International obligations
موضوع	: حقوق بین الملل
موضوع	: International law
رده بندی کنگره	: ۳۹۱۵/۰۶۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۰.۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۶۲۶

انتشارات قانون یار

قراردادهای بالادستی نفتی از منظر حقوق بین الملل

تألیف: کریم دعاگوئی هریس

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۱۹-۰

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل اول
۱۱.....	کلیاتی راجع به قراردادهای نفتی
۱۳.....	بخش یکم: مفاهیم اساسی راجع به قراردادهای نفتی
۱۳.....	۱- تاریخ یکم: مفهوم نفت و قراردادهای نفتی بین المللی
۱۷.....	۲- تاریخ دوم: منابع طبیعی در متون حقوقی بین المللی
۱۷.....	۱- منشور ملل متحد
۱۷.....	۲- قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل
۲۰.....	۳- حقوق در منابع
۲۱.....	گفتار سوم: سرکشی ملی و شخصیت حقوقی آنان در حقوق بین الملل
۳۰.....	بخش دوم: تاریخچه قراردادهای نفتی
۳۰.....	گفتار یکم: پیشینه تاریخی قراردادهای نفتی فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی
۳۴.....	گفتار دوم: قراردادهای نفتی از ابتدای دهه ۱۹۵۰ میلادی
۳۶.....	گفتار سوم: قراردادهای نفتی از دهه ۱۹۸۰ بعد
۳۹.....	بخش سوم: وضعیت حقوقی قراردادهای نفتی امروزین
۳۹.....	گفتار یکم: مراحل و مدت قراردادهای نفتی جدید
۴۰.....	گفتار دوم: قراردادهای امتیاز
۴۳.....	گفتار سوم: قراردادهای مشارکت
۴۳.....	مبحث اول: قراردادهای مشارکت در تولید
۴۵.....	مبحث دوم: قراردادهای مشارکت در سود
۴۵.....	مبحث سوم: قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری
۴۵.....	گفتار سوم: قراردادهای خرید خدمت و بیع متقابل
۴۵.....	مبحث اول: قراردادهای خرید خدمت مخاطره پذیر
۴۶.....	مبحث دوم: قراردادهای خرید خدمت صرف
۴۹.....	فصل دوم
۴۹.....	بررسی حقوقی قراردادهای نفتی
۵۱.....	بخش یکم: تئوری‌های حاکم بر قراردادهای نفتی
۵۱.....	گفتار یکم: نظریه قراردادهای بدون قانون



۵۲.....	گفتار دوم - نظریه «حقوق عرفی تجاری» (Lex Mercatoria)
۵۴.....	گفتار سوم: نظریه قراردادهای اداری
۶۳.....	گفتار چهارم - نظریه قراردادهای بین المللی شده Internationalized contracts
۶۴.....	گفتار پنجم: نظریه اصول حقوق عمومی
۶۵.....	بخش دوم: وضعیت حقوقی قراردادهای نفتی
۶۵.....	گفتار یکم: قاعده وفای به عهد و قاعده ربوس
۷۷.....	گفتار دوم: حق ملتها بر توسعه
۷۷.....	بحث اول: ماهیت حق بر توسعه
۷۸.....	بحث دوم: منابع حق بر توسعه
۸۳.....	گفتار سوم: حاکمیت بر منابع طبیعی و تئوری بین المللی شدن قراردادها
۹۳.....	گفتار چهارم: ماهیت تحول قراردادهای نفتی
۹۹.....	فصل سوم
۹۹.....	شرایط عمومی، ساختار و اصول
۹۹.....	قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۱۰۱.....	شرح موضوع
۱۱۹.....	نتیجه گیری و جمع بندی بحث
۱۲۳.....	پیوست ها
۱۲۵.....	پیوست شماره ۱
۱۲۵.....	قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶
۱۲۹.....	پیوست شماره ۲
۱۲۹.....	قانون اصلاح قانون نفت
۱۳۷.....	پیوست شماره ۳
۱۳۷.....	قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت
۱۴۷.....	منابع و مآخذ

پیشگفتار

حقوق اقتصادی شاخه‌ای از علم حقوق است که دامنه‌ی خود را هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل گسترده است. در این شاخه حقوق، انتزاع صرف جایی ندارد و پراکتیس (عمل بر پایه نظر) جایگاه عمده‌ای دارد. مباحث مطروحه از دو منبع سرچشمه می‌گیرند:

درگیری حقوقی و فلسفی در رجحان منافع عمومی و خصوصی بر هم و همچنین تلاش‌های حقوقی - اقتصادی در بر هم زدن رابطه یکجانبه کشورهای شمال و جنوب در روند استعمارزدایی و پس از آن.

در کتاب پیش رو منظور ما از قراردادهای منعقدۀ راجع به منابع طبیعی، قراردادهای اکتشاف و بهره‌برداری است (Exploitation) و مباحث شامل قراردادهای پائین دستی مانند فروش نفت خام یا فرآورده‌های شیمیایی و غیره نخواهد بود.

فرض اساسی در این کتاب این است که، صرف نظر از این که به نوع خاصی رژیم حقوقی معتقد باشیم باید همواره تعادلی میان «عده‌ی وفای به عهد» و «تعادل قراردادی» برقرار باشد. بر پایه این فرض ما به دنبال پاسخ به این سوال اساسی هستیم که آیا کشورهای صاحب منابع طبیعی (به طور خاص نفت) حق جرح و تعدیل و انقضاء قراردادهای راجع به منابع طبیعی را خواهند داشت؟ و به بیان دیگر آیا تئوری‌های حاکم بر قانون ملی و حاکمیت قواعد بین‌الملل بر هم غلبه نموده‌اند یا در یک رابطه سنتزیک به یک تعادل رسیده‌اند؟ روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است.

در فصل نخست این نوشتار، با این اعتقاد که سیر تاریخی قراردادها می‌تواند حقیقتاً منشأ بسیاری از استدلال‌ها و نگرانی‌ها را آشکار کند، به این مطلب پرداخته شده است. همچنین صورت‌های نوین قراردادهای نفتی، از لحاظ خصوصیات حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال خواهیم دید که برخی از جنبه‌های «حقوق در حال شکل‌گیری» - برای مثال قراردادهای توسعه - چگونه در کاهش مدت زمان قراردادها، یا کنترل منابع و یا الزامات در انتقال تکنولوژی، رخ می‌نمایاند.



در فصل دوم، به تعارضات و مباحث فنی حقوقی این قراردادها پرداخته شده است. ملاحظه خواهید کرد که قراردادهای نفتی، قراردادهایی پیچیده بوده و جنبه‌های اقتصادی سرمنشأ بسیاری از قواعد حقوقی است. در بخش‌هایی از فصل نخست، برخی از مباحث - برای مثال در خصوص تئوری‌های حقوقی - برای احتراز از چند باره‌گویی به اختصار بیان شده و عمده استدلالات، به تدریج در ضمن بحث و در موقعیت مناسب دیگر، ارائه گردیده است.

باید خاطرنشان کرد که تعارض فکری شدید، باعث گستردگی بسیار مباحث شده و موجب شده رشته استدلالات مخالف یا رقیب زیادی ایجاد شود. این مطالب هم باعث شده تا هم دسته‌بندی منطقی، دشوار گردد و هم در برخی از قسمت‌ها، مانند فصل نخست، موارد عمده و اصلی ذکر گردد تا از آشنگر فکری احتراز شود. یکی از محدودیت‌های عمده در تعقیب این بحث - در جایی که طولانی شود - قراردادهای نفتی مورد نظر بود - این بود که، در ایران، با وجود اینکه پربافت‌ترین کشور جهان، گزاری کننده امتیاز و بعدها از پیشروان تحولات حقوقی در زمینه نفت بوده است به دلیل محرمانه‌سازی شدن قراردادها و اسناد، دسترسی به آخرین مدارک، عملی تقریباً غیر ممکن است. این وضعیت عیناً در مورد سایر کشورها و یا شرکت‌های عمده نفتی وجود داشته و این باعث می‌شود گاهی مباحث - البته به نحوی که در حقوق بین الملل عمومی چندان هم غیر معمول نیست - به رازها و داوری‌هایی که اکنون آشکار گردیده‌اند محدود شوند. ضمناً منابع موجود در کتابخانه‌های تخصصی هم بطور عمده، به استثنای برخی زمینه‌های خاص، مانند جنبه‌های محیط زیستی، منابع نفت و یا مسائل فنی، مربوط به دهه ۱۹۷۰ میلادی می‌باشد. وضعیت پیش گفته باعث می‌شود که کتاب‌های مرجع راجع به جنبه‌های عمومی قراردادهای نفتی هم محدود باشند.

در خصوص نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفت دو نظر وجود دارد. گروهی آن را تابع حقوق بین الملل یا نظامات حقوقی غیر ملی می‌دانند و گروه دیگر آن را تابع نظام حقوقی دولت میزبان می‌دانند. گروه اخیر معتقدند این قراردادها از جمله قراردادهای اداری است که دولت اختیارات گسترده‌ای در تغییر مفاد آنها در جهت نفع عمومی دارد. به هر رو



به نظر می رسد در عمل، هر دو گروه به اختیار دولت در تغییر مفاد قراردادها تن در داده اند. نکته ای که در این مقام عده ای را به محدود کردن این حق دولت متقاعد ساخته، توافق طرفین قرارداد به محدودیت دولت در اعمال قدرت حاکمیتی خود برای تغییر در مفاد قرارداد یا شرط ثبات است که گروهی معتقدند این شرط معتبر و محدود کننده اختیار دولت است و عده دیگر معتقد به بی اعتباری آن هستند. اما به نظر می رسد تمامی دولت ها در عمل به حق خود در تغییر مفاد قرارداد عمل می کنند و هیچ توافقی نمی تواند محدود کننده حق حاکمیت ملت ها بر ابعاد بیعی آنها باشد.

www.ketab.ir